

سؤال : در راز تثلیث اقدس چگونه زندگی کنیم؟

جواب : یکی از دوستان اینگونه نوشته اند:

یک تئوری فلسفی در مورد تثلیث

تثلیث در عقل انسان ، تفکر - کلام - درک

و شباهت با تثلیث اقدس ، پدر - پسر - روح القدس

متن را در لینک زیر میتوانید بخوانید:

<http://www.3vshant.com/farsicbl/trinity-theory>

ما این مطلب را به آن اضافه می کنیم:

دوست عزیز،

سلام و جهت این توضیحات شما در باره راز سه گانه اقدس به شما تبریک میگویم چون واقعا خیلی خوب و دقیق بود، در اینجا فقط چند نکته به این مطلب اضافه می نمایم:

یاد آوری می کنم که در مطلبی که از متن کتاب آفرینش آورده اید، خدا انسان را به صورت خود آفرید، این متن ادامه دارد " به صورت زن و مرد آفرید " به نظر من این مطلب خیلی معنی دارد، چون انسان که به صورت زن و مرد آفریده شده میتواند محبت کند، بنابراین به صورت خدا که محبت است آفریده شده، البته این راز تثلیث اقدس راز خود خدا است به این معنی که باید کوشش کرد که آن را درک کرد، با دانستن اینکه هیچ وقت آنرا به خوبی و به صورت کامل نمیتوانیم بفهمیم، همانطور که آگوستین قدیس میگفت: کسی که می خواهد آن راز خدا را کاملا درک کند، مانند بچه ای می ماند که در کنار دریا بر روی شن ساحل یک گودال درست کرده است و میگوید که می خواهم دریا را در اینجا جمع کنم، پس این غیر ممکن است.

ولی در راز سه گانه اقدس باید کوشش کنیم که طبق آن در محبت زندگی کنیم زیرا در راز تعمید به نام پدر و پسر و روح القدس در آن غوطه ور شدیم.

علاوه بر تفسیر شما که از دیدگاه الهیات فلسفی می باشد اگر اجازه بدهید یاد آوری می کنم که چگونه پدران کلیساها از دیدگاه الهیات روحانی، این مطلب را بازگو و تفسیر، کرده اند که چگونه ما در روزه و نیایش و تعمق باید در آن راز فرو برویم، و پیشنهاد می کنم که با تعمق کردن بر آن متون پدران کلیسا، کوشش کنید که در این راه قدم بردارید. با این امید که همه کسانی که در راز سه گانه اقدس تعمید یافته اند این متون را خوب درک کنند.

متونی از پدران کلیسا:

مارتیریوس سهدونا

(نیمه نخست سده هفتم)

روحانیت مارتیریوس متمرکز است بر دل، و در این زمینه، از انسان شناسی کتاب مقدس پیروی می کند. در سراسر اثر او، تأکید مهم به طور خاص بر ضرورت پاکی دل و نیکوکاری گذاشته شده است: «آن کس که از نیکوکاری بهره مند است، مسکن تثلیث می گردد.»، این نکته ای است که مارتیریوس در فصل مربوط به این موضوع بیان می کند (بخش دوم، فصل ۴)، و کمی بعد، در همین فصل، می بینیم که چنین ندا در می دهد:

فرخنده است آن شخص پرمحبت که خدایی را که محبت است، در دل خود ساکن ساخته است!

فرخنده ای، ای دل کوچک و محدود که با وجود این، آن کس را که آسمان و زمین به لحاظ روحانی گنجایش او را ندارند، در بطن خود جای داده ای، همچون مسکنی برای استراحت.

فرخنده است آن چشم نورانی دل که در پاکیش، به وضوح کسی را نظاره می کند که سرافیم با دیدنش چهره خود را می پوشانند...

"فرخنده هستند به راستی آن کسان که دلی پاک دارند، زیرا خدا را خواهند دید..."

فرخنده ای تو، ای دل نورانی، مسکن الوهیت؛

فرخنده ای تو، ای دل پاک، که آن وجود پنهان را نظاره می کنی.

فرخنده اید شما، ای گوشت و خون، مسکن آن «آتش» که می سوزاند،

فرخنده‌ای تو، ای بدن فانی که از خاک سرشته شده‌ای، و آن «آتش» که کائنات را می‌سوزاند در آن مسکن دارد!

«چه موضوع شگفت‌انگیز و حیرت‌آوری است که آن کس که در حضور او آسمان ها پاک نیستند و فرشتگان را به تکریم و می‌دارد، از دلی گوشتینی که از عشق او لبریز است خشنود و خرسند می‌گردد، دلی که به روی او گشوده است، و طاهر شده تا مسکن مقدس او باشد، و در شادی خدمت می‌کند آن کس را که در حضورش هزاران هزار و کرورها کرور از فرشتگان آتشین در حالت تکریم ایستاده‌اند و جلالش را خدمت می‌کنند.»

یوسف رائی (عبدیشوع)

(سده هشتم)

بدین‌سان، با به‌یاد آوردن تمام این موقعیت‌ها، خیزش های روح از عرصه امور مادی به سوی خیزش هایی حرکت می‌کنند که بدون حد هستند، یعنی شگفت‌زدگی در برابر دنیای نوین و قابلیت رؤیت روح که قادر به سیر و نظاره بر تثلیث مقدس می‌باشد. زیرا وقتی قابلیت رؤیت روح با نور تثلیث پر جلال مرتبط شود، تمام خیزش ها نامحدود می‌گردند. چرا که هیچ یک از صاحبان رؤیا یا «گنوستیک‌ها» قادر به تعیین هویت واقعی روح بعد از رؤیت این نور پر جلالی که از تثلیث مقدس ادراک می‌شود، نیستند، زیرا تمام حجره‌های بسیار خصوصی دل از این نور مبارک پر می‌شوند، و دیگر نه مرزی وجود دارد، نه هیچ شکل مادی، نه تعداد و نه رنگ؛ بلکه این نوری که فاقد حد و مرز شکل است، ساده و بسیط است، به‌خاطر سادگی قابلیت رؤیت.

این را نیز باید به تو بگویم: در چنین لحظه‌ای، دیگر هیچ نوع حرکتی نیست، نه هیچ نوع فکری، نه هیچ نوع فعالیت ذهنی، بلکه فقط حالت شگفت‌زدگی‌ای هست که در فراسوی هر فعالیت ذهنی و تمام خیزش ها یا افکار قرار دارد. این بی‌عانه امور نیکوی آینده است که برای بشریت از طریق وساطت خداوندگار ما، عیسی مسیح، فراهم شده است، یعنی برای همه موجودات صاحب خرد، و ناشی می‌شود از وفور شفقت پدر مکرم که ما را آن هنگام خلق کرد که وجود نداشتیم و به ما اجازه داده در معرفت صمیمی جلالش سهم داشته باشیم، تا بتوانیم مانند او بشویم- برای همیشه بدون پایان باشیم- و از جلالش لذت ببریم. باشد که در شفقتش، همگی ما را شایسته رؤیای پر جلالش بسازد- این جا به‌صورت وعده، اما آن جا در واقعیت، آمین

یوحنا دالیاتا (یوحنا قدیم)

(سده هشتم)

آیا راغبی که اشعه‌های خیره‌کننده زیبایی تثلیث مقدس را در روان خود ببینی؟ احکام مسیح را نگاه دار، زیرا فرموده: وقتی «احکام مرا نگاه داری»، آن زمان است که محبت من در تو یافت می‌شود، و با تحقق بخشیدن به این‌ها در روان، می‌فرماید که او و پدرش و روح‌القدس او «به‌سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت»، و او در آن جا سکونت خواهد گزید و قابل رؤیت خواهد بود. همچنین فرموده که یارانش «از این جهان نیستند» و این که «جهان ایشان را دشمن می‌دارد.»

تحقق بخشیدن به احکام او همانا صلیب است، یعنی فراموش کردن هر خواسته دنیایی و ابطال آن‌ها، و اشتیاق شدید به ترک آن در اشتعال عشق، همان گونه که برای حضرت پولس اتفاق افتاد. من خدایم را با تمام صدق گفتار و با اعتماد شاهد می‌گیرم و به‌راستی می‌گویم که در همان لحظه‌ای که روح انسان از دنیا تهی می‌شود، مسیح را در بر می‌کند؛ در همان لحظه‌ای که از اندیشیدن به امور دنیا باز می‌ایستد، با خدا ملاقات می‌کند؛ در همان لحظه‌ای که روان هر نوع وابستگی به دنیا را از خود دور می‌سازد، روح‌القدس شروع می‌کند به این که در آن، اسرار وصف‌ناپذیر را بسراید. این در اینجا «برای من سرّی است»، و علتی برای ترس؛ اما بر هر کسی که به حقیقت بپیوندد، حقیقت آشکار می‌شود. اگر پلکان چشم می‌توانست به اندازه کافی اشک جاری سازد تا سرزمین را آبیاری کند، نهرها کاملاً پر می‌شدند! این را با چه چیزی معاوضه کرده‌ایم؟ افسوس، افسوس برای من!

اواگر می‌گوید: «دعا همانا پاکی روح است؛ حرکات این دعا دچار وقفه نمی‌شود، مگر زمانی که نور مقدس تثلیث در روح انسان بدرخشد.» زیرا می‌گوید: «دعا در اثر شگفت‌زدگی در برابر نور، دچار وقفه می‌گردد.» بدین‌سان، پُری مبتنی است بر شگفت‌زده شدن در خدا، همان طور که گفتیم، و نه در خیزش‌های دائمی دعا. آن کس که به داخل اسرار راه یافته، در برابر آن‌ها در شگفت‌زدگی ساکن می‌شود، و این است دعای واقعی که در می‌گشاید که به گنج‌های خدا می‌رسد و به طالبین اجازه می‌دهد به‌راستی خود را با همه چیزهایی که به آن‌ها نیاز دارند، سیر سازند. «مفت یافته‌اید، مفت نیز بدهید» به هر کس که می‌خواهید. چگونه کسی می‌تواند جرأت کند و بگوید که آنانی که بر ثروت‌ها اختیار یافته‌اند تا به هر کس که می‌خواهند ببخشند، گویی به آنان تعلق دارد، این افراد در حال کوبیدن در هستند، مانند گدایانی که برای رفع نیازهای خود، صدقه می‌خواهند؟ نه! ایشان در واقع، حیات توزیع می‌کنند، مردگان

را بر می خیزانند، امید مجدد می بخشند، و به نابینایان نور می دهند. او فرموده: «شما نور عالم هستید. کلیدها را به شما می دهم.» شما دیگر جزو کسانی نیستند که می طلبند، زیرا اختیار کسب کرده اید، به طوری که گویی بر اموال متعلق به خود اختیار یافته اید- تا ببندید و باز کنید، در این دنیا و تا ابدالآباد. چگونه چنین شخصی می تواند در برابر در سجده نماید و مانند یک آواره گدایی کند، زیرا کلیدهای گنج در دستان او قرار داده شده، و او را قادر می سازد تا بگیرد و بدهد، مالک حیات باشد و حیات را تلف کند؟

دعاهای عرفا

دعاهای اسحاق اهل نینوا (گزیده هایی از جنگی حاوی سی دعا)

مرا با رازهایت تقدیس نما،

روحم را با معرفت خود منور ساز،

عطا فرما که امید تو در دلم بدرخشد،

مرا شایسته بشمار تا برای آن استغاثه کنم،

ای خدا، ای پدر و خداوندگار زندگی من،

چراغ خود را در من روشن ساز،

آن چه را که از آن توست، در من قرار بده،

تا بتوانم آن چه را که از آن من است، از یاد ببرم.

مرا بر آن وا دار

تا در تو شگفت زده شوم،

تا اجبار طبیعت تحت سلطه آن در آید.

رؤیت رازها را در من برانگیز،

تا بتوانم از آن چه که به هنگام تعمید مقدس در من نهاده شد، آگاه شوم.

تو در من «هدایت کننده ای» قرار داده ای،

باشد که در همه اوقات جلالت را به من بنمایاند.

تو مرا آفریدی تا نور عالم و نمک جهان باشم؛

کاش سنگ لغزش نباشم برای یارانم.

چون دنیا را ترک گفته ام،

کاش هیچ گاه برای نگرستن به آن بر نگردم،

به آن چه به هنگام عهد کردن با تو، از آن چشم پوشیدم.

افسار لذت را بر دل من بنه،

تا حس های من نخواهند وقت را

در فراسوی طریق های احکام تو تلف کنند.

خیزش های مرا تنگ هم قرار ده

تا ساز و برگ کشتی توبه را بیاریم،

و بر آن بتوانم شادی کنم،

آن هنگام که بر روی دریای این دنیا شناور هستم

تا آن زمان که به بندر امید تو برسم.

وقتی در وسوسه هستم، باشد که روحم تو را به یاد آورد

و قوت بگیرد.

با آگاهی خیره کننده از خودت،

راه تاریکی را در مقابل من روشن ساز.

متونی که در اینجا نوشته شده از کتاب دعا و زندگی روحانی-<http://irancatholic.net/web/BOOKS/doa-va-zendegi-rohani-A.pdf>

گرفته شده است که شما میتوانید برای تعمق بیشتر به این کتاب و کتاب تثلیث اقدس در سایت www.irancatholic.com مراجعه فرمائید